

بررسی نقش

ائمه اطهار علیهم السلام

در حفظ

طیبه اسدی

دبیر درس معارف اسلامی شهر تهران

قول و سیره نبوی صلی الله علیه و آله وسلم

اشاره

مقاله حاضر در تبیین درس هشتم از کتاب درسی دین و زندگی ۳ با عنوان احیای ارزش‌های راستین و مجاهدت امامان شیعه در قالب ایفای مسئولیت مرجعیت دینی و اقدام برای حفظ قول و سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم است. امید است این تلاش ناچیز مورد توجه همکاران عزیز قرار گیرد و در عمق بخشی به معرفت دینی مؤثر واقع گردد.

چکیده

در ارائه این مقاله هدف نگارنده آن است که نقش ائمه هدی - علیهم السلام - در حفظ سخنان و سیره نبوی بررسی و به این سوالات پاسخ داده شود:

۱. لازمه حفظ قول و سیره نبوی چیست؟
۲. میزان انطباق قول و سیره معصومین علیهم السلام با آموزه‌های دینی و سنت نبوی از چه راهی قابل اثبات است؟
۳. آیا بررسی عملکرد معصومین علیهم السلام در راستای حفظ و قول و سیره نبوی امکان‌پذیر است؟ تا چه حد؟

کلیدواژه‌ها: قول، سیره، علم لدنی، تبعیت، حدیث صحیح

مقدمه

بنابر عقیده شیعه با وجود علم و عصمت، که از شرایط ویژه انتصاب امام است، قول و سیره امام حجیت می‌یابد؛ همان‌طور که قول و سیره نبوی حجیت دارد. واضح است که لازمه حفظ قول و سیره نبوی آن است که اقوال و افعال معصومین علیهم السلام کاملاً منطبق بر قول و سیره نبوی باشند و عقلاً حفظ سیره و قول با عمل و تبعیت از قول و سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم امکان‌پذیر باشد. اثبات این موضوع، یعنی میزان انطباق قول و سیره معصومین با قول و سنت نبوی، از دو طریق میسر است:

- الف. آشنایی با پشتوانه‌های دانش امامان
- ب. استننان و تبعیت از سیره نبوی

الف. آشنایی با پشتوانه‌های دانش امامان

۱. کیفیت علم امامان علیهم السلام

کیفیت علم امامان علیهم السلام لدنی است. دانش امامان از راه آموخته‌های مکتب، مدرسه، دانشگاه و مطالعه کتب و درک محضر استادان به دست نمی‌آید و اکتسابی نیست. منبع علم امام همان منبع و سرچشمه‌ای است که رسول خدا (ص) از آن کسب فیض نموده و آن علم لایزال الهی است.

در سوره شوری آیه ۵۱، اطلاع بر علم غیب و حقایق و اسرار الهی از سه راه معرفی شده است؛ آنجا که می‌فرماید:

«وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكْلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآيَاتِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ»

یعنی هیچ بشری را نرسد که با خدا سخن گوید جز از راه وحی یا از فراسوی حجاب یا رسولی بفرستد که به اذن او هر چه بخواهد وحی کند، همانا او والامقام حکیم است. (شوری/۵۱)

در این آیه اشاره شده که حقایق از راه وحی «القای به قلب» است، یعنی بدون ادعای نزول فرشته و دیدن آن و در روایات شیعه آمده است که امامان از جمله محدثین‌اند و محدث کسی است که قادر به شنیدن سروش فرشتگان باشد بدون آنکه فرشته را ببیند در حالی که پیامبر فرشته را می‌دید یا صدای او را می‌شنید (تاریخ عمومی حدیث، ۱۳۷۸: ۲۵۵-۲۵۴)

اعلمیت و دانش فراوان اهل بیت علیهم السلام و امامان معصوم دیگر

در فهم آیات قرآن و نیز فهم مسائل فقهی، کلامی، اخلاقی و سیاسی در زمان خود و در زمان‌های دیگر از متون (خاصه) امامیه و عامه (اهل سنت) بسیار نقل شده است. به تواتر از صحابه نقل شده است که «عَلَيْهِ أَعْلَمُ النَّاسُ بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ» و نیز از حضرت علی روایت شده است که:

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقَدُونِي

و یا فرمود:

«سَلُونِي عَنِ كِتَابِ اللَّهِ فَإِنَّهُ مَا فِي آيَةِ الْإِلَهِ وَأَنَا أَعْلَمُ أَبْلِيلُ نَزَلْتُ أُمَّ بَنَهَارٍ أُمَّ فِي سَهْلٍ أُمَّ فِي جَبَلٍ»

و از قول خلیفه دوم نقل شده که بارها گفت: «اگر علی نبود

عمر هلاک شده بود» (همان: ۲۵۶)

**دانش امامان از راه آموخته‌های مکتب،
مدرسه، دانشگاه و مطالعه کتب و درک محضر
استادان به دست نمی‌آید و اکتسابی نیست.
منبع علم امام همان منبع و سرچشمه‌ای
است که رسول خدا^(ص) از آن کسب فیض نموده
و آن علم لایزال الهی است**

قرار گرفته است. به همین ترتیب هر یک از امامان در لحظه وفات آن را به جانشین خود سپرده‌اند. در این کتاب کلیه احکام شرعی و آنچه در دایره حلال و حرام الهی است وجود دارد. در کتاب «بصائر الدرجات» آمده است که رسول خدا^(ص) به حضرت علی^(ع) فرمود: آنچه بر تو املا می‌کنم بنویس. حضرت علی^(ع) عرض کرد: یا رسول الله آیا از فراموشی بیم دارید؟ و پیامبر فرمود: از تو بیمی ندارم و از خدا خواستم که تو را حفظ کند و از فراموشی در امان نگه دارد اما برای شرکای خود بنویس. گفتم: شرکای من چه کسانی هستند؟ فرمود: امامان از نسل تو، آنان که امت من به برکت وجودشان سیراب می‌گردند و دعاهايشان مستجاب می‌شود با وجود آن‌هاست که خداوند عذاب را از امت دور و رحمت خود را از آسمان نازل می‌کند (همان: ۲۰۵-۲۰۶)

کتاب «جامعه» اگرچه در شمار ودایع امامت به‌شمار می‌رود اما به‌منظور اطمینان‌بخشی به تعدادی از یاران ائمه علیهم‌السلام و بزرگان عامه (اهل سنت) نشان داده شده است. در مورد این کتاب نزدیک به صد روایت وجود دارد و جمع فراوانی از روایان شیعه و سنی موفق شده‌اند این سند الهی را مشاهده کنند. تعدادی از این روایان شناسایی شده‌اند و بزرگانی از عصر حاضر در آثار خود گوشه‌هایی از اسناد این میراث الهی را نشان داده‌اند. برای نمونه، آیت‌الله بروجردی در مقدمه کتاب «جامع احادیث الشیعه» به این مطلب اشاره نموده‌اند. (همان: ۲۰۷)

روایتی از امام باقر^(ع) آمده که می‌فرماید: «به‌خدا سوگند اگر با مردم براساس رأی خود سخن بگوییم از جمله هلاک شدگان هستیم لیکن با استفاده از آثاری که از رسول خدا^(ص) در اختیار داریم با مردم سخن می‌گوییم و این آثار را همچون گنجی محافظت می‌نماییم. همان‌طور که مردم از طلا و نقره خود محافظت می‌کنند.» (همان: ۲۵۸)

در روایتی نیز ابوبصیر از امام صادق^(ع) روایت می‌کند که امام فرمود: «ای ابا محمد نزد ما کتاب «جامعه» است و مردم چه می‌دانند کتاب «جامعه» چیست؟ گفتم فدایتان شوم چگونه کتابی است؟ فرمود: با املاي رسول خدا^(ص) و برخاسته از دهان مبارک آن حضرت است و حضرت علی^(ع) آن را با دست خود نگاشته است. در این کتاب حلال و حرام الهی و آنچه مردم به آن نیازمند هستند، حتی در سطح دینه خراش، وجود دارد.» (همان: ۲۰۷-۲۰۶)

ب: استناب به سنت نبوی را در شماره بعد بیان خواهیم کرد.

منبع

معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث با رویکرد تحلیل، تهران، کویر، ۱۳۷۸.

ابن حماد حنبلی در کتاب «شذرات الذهب» آورده که ابوجعفر محمدبن علی از فقهای مدینه است و به این دلیل به او باقر گفته‌اند که او دانش را شکافت و در آن غور و بررسی نمود و اصل و ریشه آن را آشکار ساخت. او به عقیده شیعیان یکی از امامان دوازده‌گانه است و از قول عبدالله بن عطاء می‌گوید: «علما را در محضر هیچ‌کس کوچک‌تر از آنان در محضر ابوجعفر نیافتیم» (همان: ۲۵۷)

از امام صادق^(ع) سؤال شد که امام بر چه اساس فتوا می‌دهد؟ امام فرمود: «براساس کتاب خدا» و سائل می‌پرسد اگر حکمی در کتاب خدا نباشد؟ امام می‌فرماید: «براساس سنت نبوی» و باز پرسیده می‌شود اگر حکمی در کتاب خدا و سنت نباشد؟ امام در اینجا می‌فرماید: هیچ مطلبی نیست مگر آنکه در کتاب خدا و سنت ریشه دارد» (همان، ۲۵۸)

نمونه دیگر از اعلیمت ائمه اطهار چنین نقل شده است که «به درخواست منصور عباسی در یک نوبت ابوحنیفه چهل مسئله علمی را آماده کرد تا در مجلسی با حضور امام صادق علیه‌السلام - آن‌ها را به بحث گذارد و چون امام صادق^(ع) بدون تأخیر به سؤالات او پاسخ داد ابوحنیفه در جمع اعلام کرد: «أَعْلَمَ النَّاسُ أَعْلَمَهُمْ بِإِخْتِلَافِ النَّاسِ»

یعنی داناترین مردمان، داناترین آنان به اختلافات مردم است.» (همان: ۲۵۷)

ائمه (ع) مباحث علمی را از یکدیگر به ارث می‌برند و حدیث هر امام حدیث امام دیگر هم هست. این نکته در اصول کافی در احادیثی ذیل باب «إِنَّ الْأئِمَّةَ وَرَثَةُ الْعِلْمِ يَرِثُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا الْعِلْمَ» آمده است.

در اعلیمت امام سجاد علیه‌السلام همین بس که بسیاری از طالبان علم راوی احادیث ایشان بوده‌اند. محمدبن سعد، مورخ و عالم اهل سنت، امام را این‌گونه توصیف کرده است: «وَكَانَ عَلِيٌّ بِنَ الْحُسَيْنِ ثِقَّةً مَأْمُونًا كَثِيرًا لِحَدِيثِ عَلِيٍّ عَالِيًا زَفِيحًا وَرَعًا» و ابن زهري، که از عالمان زمان امام سجاد بوده درباره زمان امام گفته است: «مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَفْقَهُ مِنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ» و ابن حبان درباره ایشان فرموده است: «كَانَ مِنْ أَفَاضِلِ بَنِي هَاشِمٍ فِي فَهْمِهِ الْمَدِينَةِ وَعُبَادَتِهِمْ» (همان: ۲۶۳)

۲. کتاب جامعه علی^(ع)

از موارث اختصاصی امامان کتاب جامعه علی^(ع) است که پشتوانه دانش ایشان بعد از قرآن است. این میراث گران‌بها را رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در اختیار ائمه هدی -علیهم‌السلام- قرار داده‌اند و از اهمیت فراوان برخوردار است. این کتاب از سندیت قطعی برخوردار و اسناد و مدارک آن موجود است، که در این مقاله قصد پرداختن به آن نیست.

از جمله ویژگی‌های این کتاب آن است که به املاي رسول خدا^(ص) و خط علی^(ع) است و از ناحیه امامان به آن تعبیر «کتاب علی»، «صحیفة الفرائض» و «صحیفة العتق» داده شده است. این کتاب از موارث اختصاصی است که رسول خدا در اختیار حضرت علی علیه‌السلام قرار داده و ایشان در آستانه شهادت به امام حسن علیه‌السلام تحویل داده و سپس در اختیار امام حسین علیه‌السلام